

## «ضمانت اجرای رأی داور در حقوق ایران»

محقق: احسان مشکل گشا - کارشناسی ارشد حقوق خصوصی  
ناشر: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، حق گستر

[www.HaghGostar.ir](http://www.HaghGostar.ir)  
[Info@HaghGostar.ir](mailto:Info@HaghGostar.ir)

چکیده:

همانگونه که در قانون آیین دادرسی در امور مدنی باب هفتم را به موضوع داوری اختصاص داده است و داوری که به بیانی همان دادرسی تحکیمی می باشد، که در این نوع دادرسی اشخاص به انتخاب خود فرد مرضی الطرفین را انتخاب می نمایند تا فی مابین آنان به حل و فصل اختلافات پردازد. در مقایسه با دادرسی تحکیمی (دادگاه) این ویژگی را دارد که داوری با سرعت به مراتب بیشتر و هزینه کم تر به امور رسیدگی خواهد کرد. اما سئوالی که به ذهن متبادر می شود این است که آیا رأی داور همانند دادگاه دارای ضمانت اجرا می باشد یا خیر؟ چرا که اصحاب دعوا بایستی نسبت به لازم الاجرا بودن رأی داور اطمینان خاطر داشته باشند که بخواهند دعوای خود را از طریق داوری حل و فصل نمایند. و در طول مقاله بیان خواهیم نمود که رأی داور هم نبردارای ضمانت اجرا می باشد و این ضمانت اجرا ضروری به نظرمی رسد تا حکومت بتواند در جهت حفظ نظم عمومی و قاعده لاضرر و قاعده حرمت مؤمن اعمال حاکمیت نماید.

تعریف داوری:

۱-ارجاع اختلافات و نزاع برای رسیدگی به شخص ثالث از سوی طرفین و یا انتخاب شخص ثالث از سوی دادگاه برای حل و فصل اختلافات و صدور رأی را رسیدگی از طریق داوری (دادرسی تحکیمی) می‌نامند.<sup>۱</sup>

۲-داوری عبارت است از حل و فصل اختلافات بین طرفین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاصی که طرفین یا ثالث آنها را بدین جهت انتخاب نموده باشند.<sup>۲</sup>

۳-داور کسی است که سمت قضاء در دستگاه دولتی ندارد ولی در مراعات بالقوه یا بالفعل رسیدگی قضایی کرده و فصل خصومت نموده و رأی می‌دهد. رأی نیز به معنای تصمیم قاضی یا داور در فصل خصومات است.<sup>۳</sup>

در قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ را به حکمیت داوری اختصاص داده شده بود. در اسفند ۱۳۰۶ شمسی قانونی با عنوان قانون حکمیت<sup>۴</sup> در ۱۷ ماده به تصویب رسید و جایگزین مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ قانون اصول محاکمات حقوقی که داوری را به اختیار طرفین قرار داده بود گردید.

مجدداً در بهمن ماه ۱۳۱۳ شمسی این قانون صریحاً نسخ شد و مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ قانون اصول محاکمات حقوقی نیز کماکان منسوخ باقی ماند<sup>۵</sup> تا اینکه در سال ۱۳۱۸ قانون قدیم آیین دادرسی به تصویب رسید که در این قانون مواد ۶۳۲ تا ۶۸۰ به داوری اختصاص یافت و در نهایت قانون جدید آیین دادرسی مدنی که به موجب ماده ۵۲۹ قانون قدیم را نسخ کرد، مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون جدید را به داوری اختصاص و کماکان پابرجاست.<sup>۶</sup>

در این نوع دادرسی از لحاظ توافق و تراضی طرفین، صلاحیت داوران ظاهراً در سطح قضات منصوب دادگاه هست، اما در عمل داور اختیارات کمتری از قاضی دارد، زیرا صلاحیت قاضی هیچ ارتباطی به توافق و تراضی طرفین دعوا ندارد و همین عدم وابستگی بین صلاحیت قاضی و توافق طرفین مانع می‌شود که اصحاب دعوا بتوانند آراء صادره از سوی قاضی منصوب را جزء از طریقی که قانون پیش‌بینی کرده است و مراجعه به دادگاه بالاتر بلااثر نمایند.

<sup>۱</sup> -شکیبا گهر، مرتضی، بررسی مقررات داوری در حقوق ایران، پایگاه نشر مقالات حقوقی حق گستر

<sup>۲</sup> -شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، چاپ نوزدهم، تهران، دراک، ۱۳۹۰، ۵۰۳

<sup>۳</sup> - جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ مسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸، چاپ اول، ج ۳، ص ۱۷۷۸

<sup>۴</sup> -مجموعه مصوبات دوره های قانونگذاری (ششم)، ص ۶۲

<sup>۵</sup> -مجموعه مصوبات دوره های قانون گذاری (نهم)، ص ۹۳

<sup>۶</sup> - شمس، عبدالله. همان، ۵۰۳

رسیدگی به نحوه داوری و خارج از محاکم حکومتی را می‌توان عاملی در راستای محدود کردن حاکمیت دولتها برشمرد اما اجراء حکم داور نیز در صورت عدم اجرا از طرف محکم‌علیه در گرو مراجعه محکوم‌له به دادگاه هست.

نکته مهم و حائز اهمیت در دادرسی آن است که ارجاع امر به داوری تحت هر شرایطی منوط به توافق قرارداد کتبی و یا شفاهی طرفین دعوا است مگر استثنائاً در امور خانواده که در موارد فوق به تجویز قانونگذار ارجاع امر به داوری جهت صلح و سازش یکی از تکالیف مقام رسیدگی‌کننده است.

داوری از اولین نهادهای حقوقی و قضایی مستقل از حکومت‌ها در دوران قدیم بوده که شخص بی‌طرف و غیروابسته به حکومت به سمت داور انتخاب می‌شده است و حال در تعریف داوری به صورت زیر ابتدا در تعریف داوری می‌گوییم که داوری عبارت است از فصل اختلاف بین طرفین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاصی که طرفین یا ثالث آنها را در این جهت انتخاب نموده‌اند باشند.<sup>۱</sup>

از تعریف فوق این‌گونه استنباط می‌شود که داوری که به منظور رفع اختلاف به وسیله دادرسی غیر از دادرسی در دادگاه صورت می‌گیرد و شخص یا اشخاصی می‌توانند داور را به انتخاب خود مشخص نمایند و البته ثالث هم (که در داوری ممکن است دادگاه یا شخص دیگری که مستقیماً در اختلاف نقش نداشته باشد) حق انتخاب داور را خواهد داشت که به جهت ارجاع اختلاف به داوری طرفین دعوا بایستی با یکدیگر ترتیبی را اتخاذ نمایند که به موافقت‌نامه داوری موسوم است دارای تعریف خاص و انواع گوناگون و شرایط مشخص می‌باشد که به ترتیب به آن خواهیم پرداخت.

داوری اقدام به رسیدگی خارج از محکمه است که طرفین اختلاف می‌توانند با معرفی فرد یا افرادی به عنوان داور که مورد قبول طرفین می‌باشد موضوع متنازع‌فیه را به او ارجاع نمایند از این رو انتخاب داور با توافق طرفین حاصل می‌گردد و افرادی انتخاب می‌شوند که مورد اطمینان، اعتماد و احترام طرفین بوده و بهتر آن است که متخصص در امور مورد اختلاف مستحدثه باشند.

داور از مقامات قضایی نیست و نمی‌تواند باشد چرا که مقنن در ماده ۴۷۰ قانون آیین دادرسی در امور مدنی سال ۱۳۷۹ کلیه قضات و کارکنان اداری شاغل در محاکم قضایی را از مبادرت به امر داوری منع نموده است، حتی اگر این انتخاب از سوی طرفین اختلاف باشد. از جمله خصیصه‌های داوری، مسئله رسیدگی سریع به اختلافات است. به دلیل حجم وسیع پرونده‌ها در محاکم دادگستری و مسئله اطاله دادرسی، داوری

<sup>۱</sup>- شمس، دکتر عبدالله، همان، ۵۰۲

از مواردی است که باعث کاهش حجم و زمان رسیدگی به اختلافات است. داوران در رسیدگی و رای تابع مقررات آیین دادرسی در امور مدنی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند، از آن جا که قانون‌گذار برای اجرای رای داور که محصول اراده و توافق طرفین است، ضمانت اجرا قائل گردیده و با تعیین ضمانت اجراء در صدد حمایت از رای داور برآمده است بنا بر این مفاد رای داوری می‌بایست تطابقی صحیح و منطقی با موازین قانونی مخصوصا مفاد ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۷۹ که مقرر می‌دارد:

**رای داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد»**

بنا بر این رای داوری علاوه بر موجه بودن و با استدلال بودن نبایست مخالف با قوانین موجد حق باشد تا ارزش و اعتبار حمایت قانونی جهت اجراء را داشته باشند و در صورت فقدان ۲ عنصر مهم رای داور دارای خصیصه اجراء نبوده و قابل ابطال در مراجع ذیصلاح قضایی است. ضمانت اجراء رای داور مراجع احکام دادگستری بوده و از این طریق قابل اجراء است.

همان گونه که بیان شد داوری نهادی خصوصی است و رای داور برای آن که ضمانت اجراء داشته باشد، باید در قوانین به آن تصریح و امکان استفاده از قدرت قانون برای آن وجود داشته باشد یعنی رای داوری، اعتباری مشابه آراء محاکم قضایی را داشته باشد تا حکومت در راستای حفظ نظم عمومی و قاعده لاضرر و قاعده حرمت مومن بتواند اعمال حاکمیت نموده و رای داور منطبق با قواعد موضوعه و قوانین جاریه به اجراء برساند تفکیک آراء داوری داخلی و خارجی از این حیث مورد فایده است، که چگونگی اجراء و شناسایی آرای مزبور نشان می‌دهد برای اجراء آراء داخلی باید منطبق با ماده ۶۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی از دادگاه تقاضای اجراء نمود.

داوری داخلی به معنای اخص عبارت است از داوری که کلیه عوامل متشکله آن از قبیل ماهیت داوری تا قابلیت اصحاب دعوا و داوران، قانون قابل اجراء و محل اجرای رای داور به یک قلمرو سیاسی و حکومتی به خصوص مربوط بوده باشد مثلا وقتی که موضوع داوری حل اختلاف بین دو نفر اتباع ایران نسبت به دعوایی که موضوع آن در ایران بوده و به وسیله داوران ایرانی با رعایت قانون ایران مورد رسیدگی واقع شده باشد چنین رای داوری داخلی به معنی خاص کلمه است ولی به نظر می‌رسد این تعریف کافی نباشد چه صرفا فقدان یکی از عوامل فوق به داوری مزبور وصف خارجی بودن اعطاء نمی‌کند.

متاسفانه در حقوق ایران ملاکی به منظور تعیین قابلیت رای داوری مشخص نشده است منظور از تابعیت رای داور، با تسامح تعیین کشوری است که رای داور به آن کشور مربوط است

ضمانت اجراء آراء داوری داخلی

. اولین ضمانت اجراء آراء داوری داخلی در اجراء کلیه آراهای موجود و قانونی از جمله رای داوری داخلی عدل و انصاف است در حقوق ایران عدل و انصاف به مفهوم ناشی از وجدان و فطرت آمده محل قاعده عدل و انصاف مواردی است که حس برقراری موازنه حقوق در انسان تحریک می شود حکم عقل و وجدان در چنین صورتی قاعده عدل و انصاف را تشکیل می دهد.

به نظر می رسد اولین عامل و ضمانت اجراء هر رأیی وجدان و عدالت و انصاف است و جمله مشهور وجدان یگانه محکمه ایست که احتیاج به قاضی ندارد اولین ضمانت اجراء درونی اجرای آراء داوری منبث از عدالت و انصاف است.

گفتیم که مهمترین ضمانت اجرای آراء داوری اجرای اختیاری رای است که خود از امتیازات اساسی داوری به شمار می رود. از لحاظ حقوقی توافق و تراضی به داوری متضمن این تعهد ضمنی است که طرفین ملزم به اجرای رای باشند. در عمل هم، چون طرفین با رغبت به داوری مراجعه کرده اند معمولاً محکوم علیه رای را طوعاً اجرا می کند و کمتر پیش می آید که محکوم له ناگزیر شود برای اجرای رای داوری، به محاکم دادگستری متوسل شود، زیرا از نظر طرفین، فرض بر این است که رای یا تصمیم داور یا داورانی را که

خودشان انتخاب و منصوب کرده اند، یک تصمیم مطلوب و قابل قبول است و دلیلی ندارد که از آن عدول نمایند. اجرای اختیاری رای داوری به عنوان قاعده، هم علت تراضی طرفین در رجوع به داوری است و هم نتیجه ضروری آن. طرفین با توافق به داوری در واقع پیشاپیش می پذیرند که نتیجه رسیدگی یعنی رای داوری را محترم شمارند و اجرا نمایند. اگر قرار شود، پس از انجام داوری و صدور رای، برای اجرای آن به محاکم دادگستری رجوع کنند و موضوع دعوی همچنان ادامه یابد، ارزش ذاتی داوری و فلسفه وجودی آن با سوال مواجه می شود. برای اجرای اختیاری آراء داوری به ویژه در داوری های تجاری، علل و موجبات دیگری هم وجود دارد.

اولین و مهمترین ضمانت اجرای رای داوری به صورت اختیاری، کیفیت خود رای داوری است. چنانچه پیش از این گفتیم، شیوه داوری و رای داوری همانقدر خوب و کارآمد است که داوران درست انتخاب شده باشند و درست عمل کرده باشند

در عرصه تجارت و بازرگانی حسن نیت و احترام به تعهدات اهمیت فراوانی در حفظ اعتبار و آبروی تجار و بازرگانان دارد. اجرای اختیاری رای داوری، بهترین دلیل بر حسن نیت و پایداری بازرگانان به تعهدات و وعده هایی است که می دهند.

در بعضی از انجمن های حرفه ای، سندیکاهای صنفی یا اتاق های بازرگانی، مقرراتی برای تنبیه انضباطی اشخاصی که از اجرای داوری سرباز زنند، وجود دارد، اگر تاجر یا یک شرکت تجاری به خاطر عدم اجرای رای داوری به چنین مجازات صنفی و انضباطی محکوم شود، اعتبار و حیثیت تجاری او در معرض تهدید

قرار می‌گیرد.

در داوری‌های سازمانی، رای داوری از حمایت سازمان داوری مربوطه برخوردار است که به اجرای اختیاری رای داوری کمک می‌کنند. تاجر یا شرکتی که در یک پرونده محکوم شده، ممکن است فردا در دعوی دیگری نزد همان سازمان داوری حاکم شود و نیاز دارد که سازمان داوری مربوطه، برای اجرای رای کمک به او رساند و بنابراین سعی می‌کند رای داوری را که علیه او صادر شده اجرا نماید. وجود مقررات و قوانین داخلی یا کنوانسیون‌های دوجانبه و چندجانبه که در مورد اجرای آراء داوری و ضمانت اجراهایی قانونی، انگیزه مهمی در ترغیب محکوم علیه به اجرای اختیاری رای است گاهی گفته می‌شود که چون داوری خارج از نظام قضایی انجام می‌شود تصمیمات و آراء داوری استحکام رای دادگاه را ندارد و بعضاً قضات با دیده تردید به رای داوری می‌نگرند و به همین لحاظ اجرای آن با دشواریهایی مواجه است و به هر حال به آسانی اجرای محاکم دادگستری نیست. پاسخ جامع به این انتقاد محتاج مقایسه بین شیوه داوری و رسیدگی قضایی محاکم است که در جای خود باید بحث شود. انصاف این است که بخشی دیگر از دشواری‌های اجرای رای داوری نیز ناشی از عملکرد بد پاره‌ای از داور یا داوران و ناآشنایی آنها با موازین حقوق داوری است. اینکه گفته می‌شود، داوری همانقدر خوب و کارآمد است که داوران خوب و کارآمد باشند سخن درستی است. زیرا بخش عمده‌ای از امتیازات داوری و کفایت و مطلوبیت آن برای حل و فصل دعاوی تجاری در گرو دانایی، تخصص و کفایت و درست عمل کردن کسانی است که به عنوان داور منصوب می‌شوند. بد نیست همین جا بگوییم که یکی از شیوه‌های انتخاب داوران خوب و کارآمد، استفاده از خدمات مراکز و سازمانهای داوری مانند مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران است

نتیجه‌گیری:

در صورتیکه رای داوری به صورت اختیاری اجرا نشود، اجرای اجباری آن مورد حمایت قانون است و از ضمانت اجرای قانونی برخوردار است. اما امتیاز داوری در مرحله اجرای رای فقط محدود به این نیست که هرگونه رای داوری فوری و بدون چون و چرا اجرا شود، بلکه وجه مهمی از این امتیاز در این واقعیت نهفته که بتوان جلوی اجرای رای داوری مخدوش یا رایبی را که آشکارا بر خلاف واقعیات یا قانون صادر

شده است، گرفت. به عبارت دیگر، درست است که در آراء داوری، اصل بر اجرا است و عدم اجرا استثناء است، اما امتیاز داوری از حیث اجرای رای، در صورتی کامل و قابل دفاع است که مبتنی بر نظام متوازن و متعادلی از ضمانت اجراهای قانونی برای حفظ حقوق هر دو طرف رای محکوم علیه و محکوم له باشد. به نحوی که هم ضمانت اجراهای لازم را برای اجرای رای داوری در اختیار محکوم له قرار دهد، و هم برای محکوم علیه یا حتی شخص ثالث این فرصت را ایجاد کند که اگر رای داوری فاقد ارکان یک رای صحیح و عادلانه است یا اگر دچار آسیب‌های جدی حقوقی و قانونی است - مانند رایی که بر اساس مدارک مجعول یا متقلبانه صادر شده بتواند جلوی اجرای آن را بگیرد. وجه اول این نظام متعادل اجرای آراء داوری، همان مقررات مربوط به اجرای اجباری احکام است و وجه دوم آن، همان مقررات مربوط به اعتراض به اجرای رای یا درخواست ابطال رای است که در قانون معمولاً تحت عنوان موارد رد درخواست اجرای رای داوری یا موارد بطلان رای، از آن نام برده می‌شود. چنانچه خواهیم دید، هر دو وجه در قوانین داخلی یا کنوانسیون‌های بین‌المللی اجرای احکام داوری پیش‌بینی شده است.

بر خلاف آنچه ممکن است در نگاه اول به نظر رسد که اعتراض به اجرای رای داوری و امکان ابطال آن، از اشکالات شیوه داوری است و باعث تاخیر در حل و فصل دعوی می‌شود، اتفاقاً وجود مقرراتی در قوانین داخلی یا کنوانسیون‌های بین‌المللی اجازه می‌دهد جلوی آراء داوری مخدوش یا نادرست گرفته شود و حتی رای ابطال گردد، مهمترین امتیاز اسلوب داوری از حیث اجرای رای داوری است. رای داوری، به طور مطلق و همیشه و در هر حال، قابل احترام و لازم‌الرعايه نیست، همچنان که حکم دادگاه همیشه چنین نیست، مگر اینکه منطبق با توافق طرفین و نیز منطبق با اصول و موازین دادرسی صحیح و قانونی صادر شده باشد کنترل قضایی رای داوری در مرحله اجراء مهمترین وسیله برای تضمین سلامت داوری و قابل اعتماد بودن آن است،<sup>۱</sup> و همچنین بر اساس ماده ۴۹۳ ق.آ.د.م. با وجود اعتراض به رأی داور، این رأی قابل اجراست. زیرا سیاست قانونگذار مبنی بر تقویت داوری و ترغیب افراد در جهت مراجعه به داوری است و چون رأی داور براساس خواست طرفین صادر شده است، به صرف اعتراض یک طرف، آثار اجرایی آن منتفی نمی‌شود.<sup>۱</sup> و به صراحت ماده ۵ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۹ آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مرجع صالح برای صدور اجرائیه دادگاه نخستین (بدوی) است؛ حتی اگر حکم از دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد. بنابراین در این خصوص دادگاه نخستین صلاحیت صدور اجرائیه را داراست.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - مهاجری، علی؛ مبسوط در آیین دادرسی مدنی، تهران، فکر سازان، ۱۳۸۷، چاپ اول، ج ۴، ص ۳۲۴

<sup>۲</sup> - شمس، عبدالله؛ همان، ص ۵۶۸

## منابع:

۱. شکيبا گهر، مرتضی، بررسی مقررات داوری در حقوق ایران، پایگاه نشر مقالات حقوقی حق گستر
۲. شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، چاپ نوزدهم، تهران، دراک، ۱۳۹۰، ۵۰۳
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸، چاپ اول، ج ۳، ص ۱۷۷۸
۴. مجموعه مصوبات دوره های قانونگذاری (ششم)، ص ۶۲
۵. مجموعه مصوبات دوره های قانون گذاری (نهم)، ص ۹۳
۶. مهاجری، علی؛ مبسوط در آیین دادرسی مدنی، تهران، فکر سازان، ۱۳۸۷، چاپ اول، ج ۴، ص ۳۲۴
۷. مدنی، سید جلال‌الدین؛ ادله اثبات دعوی، تهران، پایدار، ۱۳۷۹، چاپ پنجم
۸. زراعت، عباس؛ محشای قانون آیین دادرسی مدنی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۶، چاپ اول

